


نوع مقاله: ترویجی

نقش تبعیض نژادی در افول قدرت نرم تمدن غرب از منظر حقوق بشر

کمال اسماعیل خلیفه / دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

esmaeilkhalife1371@gmail.com


 orcid.org/0000-0002-2283-8440

hakime_safaei@gmail.com

حکیمه صفایی محمدآبادی / دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

farzadkhalifeh13621362@gmail.com

فرزاد خلیفه / دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات شیراز

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

چکیده

در منشور جهانی حقوق بشر، مسئله «تبعیض نژادی» یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیمی است که بیان شده است. تمام اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر از تبعیض نژادی بر مبنای رنگ پوست بشر نهی کرده‌اند. به‌رغم دهه‌های متمادی تلاش جامعه بین‌المللی، هنوز مظاهر تبعیض نژادی در برخی نقاط جهان و به نحو قابل تأملی در ایالات متحده آمریکا پایدار مانده و مظاهر جدیدی از آن بروز نموده است. شاید بتوان اعتراضات مردمی سیاه‌پوستان و سفیدپوستان آمریکا و دیگر کشورها همراه با مستضعفان را نشانه‌ای از افول تدریجی قدرت نرم تمدن غرب و آمریکا در نتیجه تبعیض نژادی قلمداد کرد. این نوشتار کوشیده است با رویکردی تطبیقی - تحلیلی به بررسی مسئله «تبعیض نژادی» و کارایی آن در افول تمدن غرب و ایالت متحده آمریکا بپردازد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، تبعیض نژادی، افول آمریکا، سیاه‌پوستان.

مفهوم «تبعیض نژادی» سابقه‌ای طولانی دارد. در روزگاری یهودیان و نصارا، خود را فرزند و محبوب خدا می‌دانستند (مائده: ۱۸). با ظهور اسلام و بعثت نبی مکرم ﷺ این نگرش و بینش خرافی و جاهلانه نفی گشت. اسلام ملاک برتری و کرامت را «تقوا» بیان داشت و برخورد‌های مبتنی بر اصل و نسب، روابط خانوادگی و تفاخر به انساب و فرزندان را نهی فرمود.

اساساً اسلام با وجود پذیرش وحدت در خلقت و وجود اختلاف در انسان‌ها، با تبعیض‌های بیجا و جاهلانه موافق نیست. آنچه در تمدن غرب و ایالات متحده آمریکا در حال رخ دادن است، نتیجه همین تعصبات و غرض‌ورزی‌های جاهلانه در برخورد با انسان‌هاست که با عنوان «تبعیض نژادی» مطرح است.

یکی از مؤلفه‌های نمایانگر توانایی تمدن‌ها و دولت‌ها در قدرت نرم، مسئله «عدالت اجتماعی» و نحوه رویکرد به تبعیض نژادی است. اگر کشوری برای افراد خود کرامت قائل شود و حقوق آنها را به صورت عادلانه مراعات کند و به تعبیر دیگر، آلام و نیازهای آنها را درک نماید، می‌تواند مدعی قدرت نرم و پیشرفت باشد، وگرنه محکوم به فناست. «قدرت، توانایی در اقتناع‌سازی دیگران در جهت اهداف و خواسته‌های گروه یا فرد است» (نای، ۲۰۰۴، ص ۲۸).

مطابق برداشت از کلام مقام معظم رهبری «قدرت نرم» را می‌توان به تعبیری به «قدرت داخلی» و «قدرت بین‌المللی» تقسیم کرد. ایشان در بیانات خود در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۳/۸/۱۳۹۷ بیان داشت:

بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته خود و نظر خود و عقیده خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقتناع کند به نظر خود. این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است، در زمینه‌های مختلف. حالا زمان دولت اوباما هم همین جور بود، اما زمان این آقا که دیگر به طور واضح با او مخالفت می‌شود؛ در غالب زمینه‌هایی که او تصمیم می‌گیرد، در دنیا با او مخالفت می‌شود. نه فقط مخالفت مردمی - که اگر قرار باشد رأی‌گیری کنند و از مردم هر کشوری سؤال کنند، نظرات منفی خواهند داد - حتی دولت‌ها هم که رودرپایستی دارند با آمریکا، با او مخالفت می‌کنند.

با توجه به این فقره‌های بیان رهبری به وضوح می‌توان قدرت نرم را به دو حیطه «داخلی» و «بین‌المللی» تقسیم نمود.

چین مخالفت می‌کند، اروپا مخالفت می‌کند، روسیه مخالفت می‌کند، هند مخالفت می‌کند، آفریقا مخالفت می‌کند، امریکای لاتین مخالفت می‌کند. قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است. این را من نمی‌گویم، این جزو حرف‌هایی است که جامعه‌شناس‌های مطرح دنیا امروز دارند این حرف را می‌زنند.

«قدرت نرم داخلی» توانایی اقناع و همراه کردن مردم در جهت سیاست‌ها و خواسته‌های فرد یا گروهی است. بسیاری از متخصصان داخلی و خارجی، از جمله رهبر معظم انقلاب از افول تدریجی تمدن غرب و ایالات متحده امریکا خبر داده‌اند. این نکته را می‌توان در بیانات صادرشده از سوی ایشان به وضوح دریافت (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

یکی از مؤلفه‌های افول تمدنی، شکست در عرصه قدرت نرم آن تمدن است. اگر دولت و تمدنی نتواند مطابق آرمان‌های خود عمل کند و گرفتار سیاست‌های منافی با اهداف تمدنی خود گردد، دیر یا زود طرفدارانش را از دست خواهد داد و دچار انزوای داخلی و بین‌المللی خواهد شد. وقتی مردم یک سرزمین از حمایت دولت خود استنکاف ورزند، هیمنه آن دولت در چشم مردمان خود از بین خواهد رفت. سیاست «تبعیض نژادی» دولت امریکا سبب شده است که این دولت گرفتار ناتوانی در اقناع و همراه کردن مردمان خود با آرمان‌هایش گردد و به تعبیر دیگر، سبب ضعف قدرت نرم داخلی امریکا شده است؛ خطری که برای آن دولت بسیار بزرگ محسوب می‌شود.

فحوای کلام رهبر معظم انقلاب همین است که قدرت نرم امریکا دچار افول شده و یک فقره از قدرت نرم هم اقناع مردم خود است که در این باره دولتمردان امریکا ناکام مانده‌اند.

با مرگ سیاه‌پوستی به نام جورج فلویید توسط پلیس امریکا، موجی از اعتراضات علیه این سیاست‌های متعصبانه و جاهلانه در ایالت‌های امریکا به راه افتاد. به روایت آمار و اطلاعات رسمی مرکز آمار امریکا، اگرچه روند افول قدرت نرم امریکا در سال‌های اخیر شکل گرفته است، اما به نظر می‌رسد این روند تدریجی سرعت بیشتری پیدا کرده است.

این نوشتار با بررسی دقیق مفهوم «تبعیض نژادی» و بیان رویکرد اسلام در برخورد با نژادها و اقوام گوناگون و همچنین بررسی نظرات امام خمینی^{علیه السلام} به‌مثابه طلایه‌دار تاریخی مبارزه با جبهه کفر و استکبار، کوشیده است مسئله افول قدرت نرم امریکا را به وضوح بنماید. در خلال مطالب، تبعیض نژادی در سایه حقوق بشر و اسناد بین‌المللی و داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز بحث و بررسی شده است. در پایان نیز با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب به اثبات قطعی بودن روند افول قدرت نرم امریکا اشاره شده است.

۱. مفهوم‌شناسی «تبعیض نژادی»

برای شناخت مفهوم «تبعیض نژادی» ابتدا باید معانی لغوی و اصطلاحی واژه «تبعیض» و «نژاد» را جداگانه بررسی کرد تا بتوان فهمی دقیق و عمیق از حقیقت این مفهوم به دست آورد.

۱-۱. معنای لغوی

ابن‌منظور «تبعیض» را این‌گونه بیان می‌دارد: «و بَعْضَ الشَّيْءِ تَبْعِيضًا تَبْعَضٌ: فَرَّقَهُ أَجْزَاءَ فَتَفَرَّقَ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۱۹)؛ چیز را به اجزایی بخش بخش کرد: آن را جدا کرد پس جدا گردید.

دکتر معین نیز واژه «تبعیض» را این‌گونه معرفی می‌نماید:

تقسیم و جدا کردن بعضی را از بعضی. بین دو یا چند کس مساوی، یکی یا بعضی را امتیاز دادن. رجحان بعضی بر بعضی بدون مَرَجِّح (معین، ۱۳۸۱، ص ۴۲۲).

درواقع روح کلی معانی واژه «تبعیض» در برتر و والاتر دانستن شخص یا گروهی از انسان‌ها بدون معیار و دلیل خلاصه می‌شود.

واژه «نژاد» هم این‌گونه تعریف شده است:

اصل و نسب، گوهر (طبیعت). مجموعه افرادی که از حیث مشخصات قیافه، کوتاهی و بلندی قد، وضع لب و دندان، هیأت چشم، وضع مو، رنگ پوست بدن، خصایص روحی و اخلاقی با هم شباهت دارند (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳۳).

۱-۲. معنای اصطلاحی

حال با واضح گردیدن این مفاهیم، می‌توان به تعریفی جامع و کامل در خصوص مفهوم «تبعیض نژادی» نائل آمد و این‌گونه بیان داشت که «تبعیض نژادی به معنای رجحان و برتری دادن یک نژاد و طبیعت انسانی بر نژاد و طبیعتی دیگر از انسان‌هاست». طبیعتاً این برتری و رجحان باید بدون معیار و محک مشخص و قانع‌کننده‌ای باشد تا بار معنوی «تبعیض» بر آن صدق کند. اگرچه تعریف مذکور گویای لبّ مفهوم «تبعیض نژادی» است، اما به سبب ضرورت و اهمیت موضوع، توضیحی را که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص تعریف و تبیین زوایای گوناگون این مفهوم ارائه کرده است نیز بیان می‌کنیم. در ماده (۱) این معاهده این‌گونه بیان گردیده است:

در قرارداد حاضر، اصطلاح «تبعیض نژادی» اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که براساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع و یا استیفا در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد (سازمان ملل متحد، ۱۹۶۵).

۲. رویکرد حقوق بشر اسلامی در مواجهه با مسئله تبعیض نژادی

بعد از روشن شدن اجمالی مفهوم «تبعیض نژادی»، به سبب ضرورت، باید از رویکرد اسلام در برخورد با مسئله

تبعیض نژادی با محوریت قرآن و سنت بحث شود تا بتوان با بیان تفاوت‌های تمدنی اسلام با تمدن در هم پیچیده غرب، روند افول موربانه‌وار تمدن غرب را به وضوح بیان کرد.

اساساً غرض خداوند متعال از انزال کتب و ارسال رسل، هدایت جمیع بشر به توحید و پیمودن راه سعادت بوده است. در لسان قرآن، همه انسان‌ها به‌مثابه روح واحد در نظر گرفته شده‌اند و قرآن کریم با اذعان به تفاوت انسان‌ها در زمینه‌های اخلاقی، دینی، رفتاری، جسمی، رویکردی سرسختانه به مسئله تبعیض نژادی داشته، به صراحت با این مفهوم مبدع تمدن‌های نفس‌پرست و دنیوی مخالفت کرده و تمام این مفاهیم را باطل و خلاف فطرت انسانی و روح تکامل یافته ادیان الهی دانسته است.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳). با توجه به این آیه مبارکه، خداوند متعال ضمن بیان اصل خلقت براساس نفس واحد، این نکته را متذکر می‌گردد که اساس اختلاف در خلقت انسان‌ها نیست، بلکه اختلاف در عوارضی مثل رنگ پوست و زبان و مانند آن است که ارتباطی با خلقت واحد ندارد. به عبارت دیگر، اگرچه اختلاف در انسان‌ها وجود دارد، اما این نباید سبب تبعیض، ظلم و بی‌عدالتی گردد. وجود اختلافات بشری برای بازشناسی از یکدیگر و سهولت در روابط اجتماعی است.

قرآن کریم این مهم را با تعلیل «لتعارفوا» بیان می‌دارد. ملاک برتری انسان‌ها و جامعه بشری اصل و نسب، نژاد، روابط خانوادگی، انساب و پدران و مادران نیست، بلکه تنها ملاک برتری و سعادت جوامع بشری «تقوا» است. شأن نزول این آیه بر تفکر تبعیض‌آمیز در برخورد با نژادها دلالت می‌کند.

در تفسیر *روح البیان* این‌گونه آمده است:

نزلت حين أمر النبي ﷺ بلالاً - رضی الله عنه - ليؤذن بعد فتح مكة. فعلا ظهر الكعبة، فأذن. فقال عتاب بن أسيد و كان من الطلقاء: الحمد لله الذي قبض ابى حتى لم ير هذا اليوم. و قال الحارث بن هشام: اما وجد رسول الله سوى هذا الغراب؛ یعنی بلالاً؟ (حقی برسوی، بی‌تا، ص ۹۰)؛ این آیه هنگامی نازل شد که پیامبر اکرم ﷺ پس از فتح مکه به بلال رضی الله عنه دستور دادند: اذان بگوید. او از پشت بام کعبه بالا رفت و اذان گفت. سپس عتاب بن اسید - که از آزادشدگان بود - گفت: خدا را شکر که پدرم مرد و این روز را ندید! حارث بن هشام هم گفت: پیامبر خدا غیر از این کلاغ - یعنی بلال - کسی دیگر را سراغ نداشت!؟

سنت جاهلی و به‌دور از برخورد کریمانه با انسان‌ها سبب نزول چنین آیه‌ای گردید.

اسلام دینی جهانشمول است و مخاطبان قرآن کریم نوع انسان‌ها هستند. در گفت‌وگویی معاویه با قیس

انصاری هلالی به نقل پسرش *سلیم بن قیس هلالی*، چنین آمده است که قیس *هلالی* بیان داشت:

إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، فَبَعَثَهُ إِلَى النَّاسِ كَأَفْئَةٍ إِلَى الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَالْأَخْمَرِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ (هلالی، ۴۰۵ ق، ص ۷۷۷)؛ خداوند بزرگ حضرت محمد ﷺ را مایه رحمت

عالمیان قرار داد و او را به سوی همه مردم مبعوث نمود؛ به سوی جن و انس و قرمز و سیاه و سفید. در میان مخاطبان قرآن، فرقی بین عرب و عجم، سیاه‌پوست و سفیدپوست و دیگر تفاوت‌های طبیعی نیست.

روایتی با همین مضمون از پیامبر اکرم ﷺ نقل است:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِيٍّ وَلَا لِعَجْمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ وَلَا لَأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (کراچکی، ۱۳۹۴ق، ص ۲۱)؛ ای مردم! خدای شما یکی است و پدرتان نیز یکی است. عرب هیچ فضیلتی بر عجم ندارد و عجم نیز فضیلتی بر عرب ندارد و نه قرمز بر سیاه و نه سیاه بر قرمز، مگر به تقوا. خداوند تعالی فرموده است: «باکرامت‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست».

اسلام پایان‌دهنده سنت‌های غلط جاهلی در مسئله تبعیض نژادی است. ماده ۲۲ (د) اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز به صراحت در رفع تبعیض نژادی تلاش کوشیده است. در روایتی از امام باقر علیه السلام این نکته مهم بیان گردیده است:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ بِالْإِسْلَامِ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَالتَّفَاخُرَ بِأَبَائِهِمَا وَعَشَائِرِهِمَا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۹۳)؛ همانا خدای تبارک و تعالی به واسطه اسلام نخوت جاهلیت و تفاخر به پدران و عشیره‌ها را از بین برده است.

قبل از ظهور اسلام، یهود و نصارا خود را از فرزندان و دوستان خداوند می‌دانستند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ» (مائده: ۱۸). به بیان آیه ۱۱۱ سوره مبارکه «بقره»، یهود و نصارا فقط خود را اهل بهشت می‌دانستند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى» (بقره: ۱۱۱).

اینها نمونه‌هایی از رفتارهای تبعیض نژاد یهود و نصارا با دیگر افراد بشر است که متقن‌ترین کتاب الهی این نکته را بیان و رد کرده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه تمام عصبیت‌ها و حمیت‌های جاهلی را رد نموده و فرموده‌اند:

فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَخَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَخَاسِنِ الْأُمُورِ الَّتِي تَفَاوَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءُ وَ النَّجْدَاءُ مِنْ نَبُوتَاتِ الْعَرَبِ وَ يِعَاسِيْبِ الْقَبَائِلِ بِالْأَخْلَاقِ الرَّغِيْبَةِ وَ الْأَحْلَامِ الْعَظِيْمَةِ وَ الْأَخْطَارِ الْجَلِيْلَةِ وَ الْأَثَارِ الْمَحْمُودَةِ، فَتَعَصَّبُوا لِخِلَالِ الْحَمْدِ مِنَ الْحِفْظِ لِلْجَوَارِ وَ الْوَفَاءِ بِالذَّمَامِ وَ الطَّاعَةِ لِلْبِرِّ وَ الْمَعَصِيَةِ لِلْكِبْرِ وَ الْأَخْذِ بِالْفَضْلِ وَ الْكَفَّ عَنْ الْبَغْيِ وَ الْأِعْظَامِ لِلْقَتْلِ وَ الْإِنْصَافِ لِلْخَلْقِ وَ الْكُظْمِ لِلغَيْظِ وَ اجْتِنَابِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۲)؛ اگر بنا به تعصب باشد باید تعصب شما برای صفات پسندیده و کردار شایسته، و کارهای نیکی باشد که بزرگان و دلیران از خاندان‌های ریشه‌دار عرب و رؤسای قبایل به واسطه آنها برتری می‌جویند. به اخلاق خوب و اندیشه‌های بزرگ و مقامات بلند و آثار ستوده تعصب بورزید؛ به خصلت‌های بالرزش که عبارت است

از: حفظ حقوق همسایگان، وفای به عهد، پیروی نیکی، روی گرداندن از کبر، توسل به احسان و بخشش، خودداری از تجاوز، مهم شمردن قتل نفس، انصاف دادن به خلق خدا، فروخوردن خشم و اجتناب از فساد در روی زمین (نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵).

مطابق تعالیم حقوق بشری اسلام، اصل انسان دین اوست، نه نژاد و نسب؛ همچنان که در روایتی از امام باقر^{علیه السلام} وارد شده است: «أصلُ المرءِ دینُهُ، وَ حَسْبُهُ خُلُقُهُ، وَ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ، وَ إِنَّ النَّاسَ مِنْ أَدَمَ شَرَعُ سَوَاءً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۹۳). اگر انسان بخواهد به سعادت برسد، باید از تعصبات جاهلی و تفکرات شیطانی در تبعیض قائل شدن بین انسان‌ها تبری جوید.

۳. حقوق بین‌الملل بشر و مسئله تبعیض نژادی

یکی از اسناد بین‌المللی معتبر دولت‌های جهانی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است. این اعلامیه سند و الگوی برخورد با آحاد بشر و نزد دولت‌های جهانی دارای اعتبار است. مسئله تبعیض نژادی در این سند هم مطرح شده و از آن دفاع گردیده تا دولت‌های جهانی با مراعات اصول و نکات مطرح‌شده در این اعلامیه، بتوانند نظم نوین جهانی را با اجرای عدالت و رفع تبعیض نژادی برقرار سازند تا آحاد بشر به سعادت دنیوی نائل آیند. در ماده یکم این اعلامیه به صراحت از حقوق برابر و خلقت واحد و آزاد یاد شده است. این ماده این‌گونه بیان کرده است:

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸).

ماده دوم اعلامیه این نکته را متذکر می‌شود:

هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت‌ها، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد. به علاوه، هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد (همان).

در ماده چهارم، به سنت جاهلی توجه داده شده و سنت معمول برخورد با بعضی از مهاجران افریقایی و امریکایی در امریکا را مذموم دانسته و گفته است: «هیچ‌کس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است» (همان).

یکی از برخوردهای نژادپرستانه و به دور از کرامت انسانی را ماده پنجم این اعلامیه متذکر شده است:

هیچ کس را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد (همان).

متأسفانه در بسیاری از کشورهای متمدن غرب، برخوردی یکسان با آحاد انسانی صورت نگرفته، بلکه بعضی بر بعض دیگر ترجیح بلامرغ یافته‌اند. در همین باره، ماده ششم اعلامیه بیان می‌دارد: «هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود» (همان).
به عنوان آخرین ماده در این زمینه، ماده هفتم می‌گوید:

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند و در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید از حمایت یکسان قانون بهره مند شوند (همان).

این ماده حلقه مفقوده تمدن غرب است.

در زمینه حقوق بشر، وضع مقررات یک کفه ترازوست و عمل به آن کفه دیگر. با وجود مقررات و اعلامیه‌های متعدد حقوق بشری وضع شده توسط دولت‌های جهانی، اما در مقام عمل کمتر دیده می‌شود که به دور از فضاهای سیاسی به این حقوق توجه شود. نمونه بارز نقض تعهدات حقوق بشری تبعیض نژادی گسترده در امریکا و مرگ انسان‌های بیگناهی همچون جورج فلوید است.

۴. موجودیت تبعیض در ایالت متحده امریکا

یکی از مظاهر و نمادهای شناخت تمدن غرب در جهان کنونی، وضعیت ایالات متحده امریکا است. اساساً یکی از منابع شناخت قدرت نرم یک حکومت و کشور، توان آن در ایجاد عدالت و نفی تبعیض بین مردم آن کشور است. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که درصد تکریم افراد خود نباشد، مسلماً از حمایت آنها برخوردار نخواهد شد و در بلندمدت، اثرات مخربش پایه‌های حکومت را به لرزه درخواهد آورد.

مطابق آماري که در سال ۲۰۱۸ میلادی در خصوص جمعیت سیاه‌پوستان امریکا توسط «مرکز سرشماری ایالات متحده امریکا» ارائه شده، ۴۷,۸۴۱,۸۵۱ تن از کل جمعیت امریکا، سیاه‌پوست هستند؛ یعنی قریب ۱۵ درصد از جمعیت کل امریکا. این در حالی است که براساس گزارش مرکز تحقیقاتی «پیو»، در ۱۱۰ شهرستان از ایالت‌های امریکا، جمعیت دیگر اقوام و سیاه‌پوستان بیش از سفیدپوستان است (www.pewsocialtrends.org).

با وجود جمعیت زیاد سیاه‌پوستان در امریکا، شاهد بی‌عدالتی و تبعیض نژادی گسترده در امریکا علیه این مردم هستیم. در خصوص تبعیض نژادی در امریکا، کتاب‌ها می‌توان نوشت و در این مقال، مترصد تشریح وقایع مرتبط با این مسئله نیستیم، اما به قدر حاجت، به بعضی از موارد برخورد تبعیض‌آمیز با سیاه‌پوستان در امریکا می‌پردازیم:

۱-۴. گزارشی از قربانیان خشونت‌های پلیس در برخورد با سیاه‌پوستان آمریکا

در یکی از پایگاه‌های خبری آمریکا، «هشتک نام آنها را بگو» (#SAYTHEIRNAME) راه‌اندازی شده است. منظور از این عبارت، بررسی تعداد کشته‌های سیاه‌پوست توسط پلیس خشن امریکاست. تا کنون فهرست تعدادی از این قربانیان مطرح شده که نشانه کثرت وجودی این مسئله است. البته تعداد قربانیان بسیار فراتر از این آمار است؛ اما در اینجا به تعدادی از این قربانیان سیاه‌پوست اشاره خواهیم کرد (www.npr.org).

نرخ کشته شدن سیاه‌پوستان توسط پلیس بیش از دو برابر میزان کشتار برای آمریکایی‌های سفیدپوست است. این فهرست غیرجامعی از کشته‌شدگان توسط پلیس در ایالات متحده از زمان مرگ/اریک گارنر در ژوئیه ۲۰۱۴ است (وبگاه ان. پی. آر. لا جانسون).

به گزارش وبگاه ان. پی. آر. در ژوئیه سال ۲۰۱۴ یک فیلم تلفن همراه بخشی از سخنان پایانی/اریک گارنر را ضبط کرد، در حالی که مأموران پلیس نیویورک سیتی روی سر او نشستند و او را در یک پیاده‌رو می‌کشیدند و او می‌گفت: «من نمی‌توانم نفس بکشم».

در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۲۳ همین سخنان توسط جورج فلویید گفته شد و خواستار آزادی گردید، اما پلیس او را در خیابان مینیاپولیس به زمین انداخت و خفه کرد.

جمیل اسمیت یکی از نویسندگان مطرح جامعه امریکاست که در مقاله‌ای با عنوان «دیدن مرگ مردان سیاه برای شما چه می‌کند؟» می‌گوید: «به نظر می‌رسد بسیار مناسب است که کسانی که امروز توسط پلیس کشته شده‌اند دیگر به مسخ یا محکوم تلقی نمی‌شوند، اما به لطف فناوری پیشرفته‌تر و در دسترس‌تر، آنها به هشتک تبدیل می‌شوند» (ان. پی. آر. جمیل اسمیت).

درواقع، او از وضعیت برخورد با سیاه‌پوستان آمریکا شکوه می‌کند که اگرچه برخورد خشونت‌باری با آنها می‌شود و مرگ یا محکوم شدن برای آنها تفاوتی ندارد، اما باعث ایجاد جو رسانه‌ای علیه دولت آمریکا می‌شوند. او می‌گوید: «متأسفانه جراحات و مرگ به دست پلیس، به آن اندازه که لازم است، دیده انجام نمی‌شود. میراث افزایش مواجهه ما با مرگ سیاه‌پوستان، صرفاً از بین رفتن حواس جمعی ماست» (همان). او از شدت بی‌توجهی و عدم فعالیت علیه دولت آمریکا رنج می‌برد. این مقاله هنوز هم به طرز حیرت‌آوری در فضای مجازی طنین‌انداز است؛ زیرا فیلم‌های تلفنی فیلمبرداری شده از افراد سیاه‌پوستی که توسط پلیس کشته شده، در اینترنت در حال انتشار است.

طبق گزارش بانک اطلاعات **واشنگتن پست**، از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، تعداد ۱/۲۵۲ سیاه‌پوست توسط پلیس تیرباران و کشته شده‌اند. این آمار کسانی را که در بازداشت پلیس یا با استفاده از روش‌های دیگر کشته شده‌اند شامل نمی‌شود.

در ذیل، به بیان شرح‌حالی از آخرین وضعیت برخی از سیاه‌پوستان کشته شده توسط پلیس خواهیم پرداخت و این نکته را یادآور می‌شویم که آمار قربانیان بسیار بیش از آمار کنونی است؛ زیرا بسیاری از قربانیان به صورت مخفیانه کشته شده و نام در آمار مرکز آمار پلیس امریکا ذکر نگردیده است. *اریک گارنر* به تازگی از دعوا دست کشیده بود که توسط پلیس کشته شد. *اِزل فور* در حال قدم زدن در محله خود بود که توسط پلیس کشته شد. *میشل کوئسیو* هنگام ورود پلیس برای انتقال وی به یک مرکز بهداشت روان، در حال تعویض قفل در خانه خود بود که توسط پلیس کشته شد.

تانیشا اندرسون دچار حالت روانی بدی بود و برادرش شماره ۹۱۱ را گرفت، اما پلیس او را کشت. *تامیر رایس* در حال بازی در پارک بود که توسط پلیس کشته شد. *ناتاشا مک‌کینا* دچار بیماری اسکیزوفرنی بود و در شهر فرفاکس خسته شده بود که توسط پلیس کشته شد. *والتر اسکات* در حال رفتن به یک فروشگاه لوازم یدکی اتومبیل بود که توسط پلیس کشته شد. *بتی جونز* در منزل را باز کرد تا افسران پلیس شیکاگو به منزل همسایه طبقه بالای او بروند که توسط پلیس کشته شد.

فیاندو کاستیل بعد از شام خوردن با همسر خود در حال رانندگی بود که توسط پلیس کشته شد. *بوسام جین* در اتاق نشیمن خود در حال خوردن بستنی بود که توسط پلیس کشته شد. *آتاتینا جفرسون* در حال فحش دادن به برادرزاده خود در خانه خود در شهر تگزاس بود که توسط پلیس کشته شد.

اریک ریزن در حال پارک خودرو در پارکینگ مغازه‌ای بود که توسط پلیس کشته شد. *خانم دومینیک کلاتون* در بستر خود خواب بود که توسط پلیس کشته شد. *خانم برونا تیلور* نیز در بستر خود خواب بود که توسط پلیس کشته شد.

جورج فلوید در فروشگاه مواد غذایی بود که توسط پلیس خفه و کشته شد. *جورج فلوید* یکی از ۱۹۴۵ سیاه‌پوستی است که از سال ۲۰۱۳-۲۰۱۹ توسط پلیس امریکا به قتل رسیده‌اند (آمار شبکه الجزیره). نکته جالب اینجاست که بسیاری از این سیاه‌پوستان، در حال خرید از فروشگاه یا بازی در پارک و موارد مشابه بوده‌اند و فقط به جرم سیاهی پوستشان آماج حملات پلیس زورگوی امریکا قرار گرفته‌اند.

۲-۴. بررسی موجز مسئله تبعیض نژادی در امریکا از منظر آمار

مطابق گزارش و نظرسنجی مرکز تحقیقاتی «پیو»، نظرات مردم درباره وضعیت کنونی روابط نژادی در امریکا منفی است، به‌ویژه در زمان ریاست جمهوری *دونالد ترامپ* (نسبت به دوران ریاست جمهوری *باراک اوباما*)، برخوردهای

تبعیض آمیز شدت یافته است. قریب ۵۸ درصد از امریکایی‌ها معتقدند که وضعیت روابط نژادی در امریکا بد است و کمتر کسی فکر می‌کند که این وضعیت بهبود می‌یابد. قریب ۵۶ درصد جامعه آماری معتقدند: رئیس‌جمهور با اجرای سیاست‌های غلط، این وضعیت را بدتر کرده است. قریب ۷۸ درصد از سیاه‌پوستان امریکا معتقدند که این کشور به صورت مساوی با مردمانش برخورد نکرده است تا به سیاه‌پوستان حقوق برابر با سفیدپوستان داده شود. ۵۲ درصد از سیاه‌پوستان هم اشاره می‌کنند که سیاه‌پوست بودنشان سبب محرومیت و جلوگیری از پیشرفت آنها در زندگی شده است.

در کنار سیاه‌پوستان، قریب ۶۱ درصد از سفیدپوستان امریکا معتقدند که با سیاه‌پوست‌ها به صورت ناعادلانه‌ای در نظام عدالت کیفری نسبت به سفیدپوستان برخورد شده است. همچنین در نحوه برخورد پلیس امریکا با سیاه‌پوستان، قریب ۶۳ درصد از سفیدپوستان معتقدند که برخورد ناعادلانه بوده است. در استخدام و پرداخت حقوق هم ۶۰ درصد از سیاه‌پوستان معتقد به بی‌عدالتی و تبعیض در برخورد با آنها هستند. همچنین در خدمات پزشکی، در حق رأی داشتن در انتخابات و حتی در مغازه‌ها و رستوران‌ها هم ردپای تبعیض دیده شده است.

۶۵ درصد از سیاه‌پوستان معتقدند که رفتار مردم با آنها طوری بوده که انگار به آنها مشکوک هستند. در تحصیلات هم قریب ۶۰ درصد از سیاه‌پوست‌ها معتقدند که رفتار مردم امریکا با آنها طوری بوده که انگار از هوش کمی نسبت به سفیدپوستان برخوردارند. قریب ۶۱ درصد سیاه‌پوست‌ها آماج تهمت و تمسخر و موضوع جوک‌ها قرار گرفته‌اند و در نهایت، ۴۳ درصد از سیاه‌پوستان نسبت به امنیت شخصی‌شان نگران هستند (www.pewsocialtrends.org).

به گزارش وبگاه **بلک دموگرافیکس**، طبق مطالعه سرشماری ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۴ (نمودارهای ذیل را مشاهده کنید) ۲۷ درصد از کل مردان، زنان و کودکان امریکایی - آفریقایی در مقایسه با تنها ۱۱ درصد از کل امریکایی‌ها، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. درصد بالاتری (۳۸ درصد) از کودکان سیاه‌پوست در مقایسه با ۲۲ درصد از کل کودکان در امریکا در فقر زندگی می‌کنند. نرخ فقر برای زنان سیاه‌پوست در سن کار (۲۶ درصد) که از زنان ۱۸ تا ۶۴ سال تشکیل شده، بیش از مردان سیاه‌پوست در سن کار (۲۱ درصد) است.

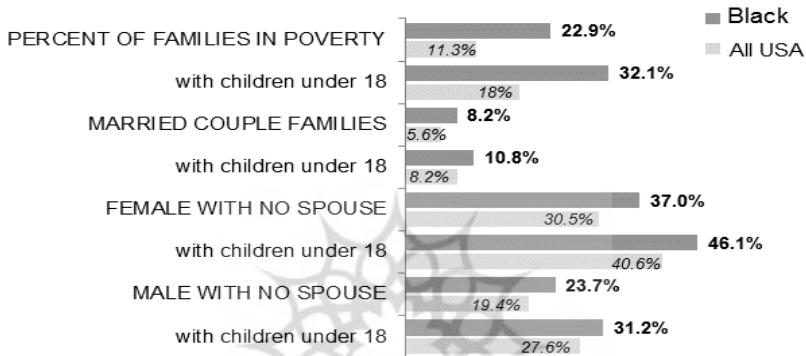
میزان فقر برای خانواده‌های سیاه‌پوست بسته به نوع خانواده متفاوت است. در حالی که ۲۳ درصد از کل خانواده‌های سیاه‌پوست زیر خط فقر زندگی می‌کنند، تنها ۸ درصد از خانواده‌های زوج سیاه‌پوست در فقر زندگی می‌کنند که به طور قابل توجهی پایین‌تر از ۳۷ درصد از خانواده‌های سیاه‌پوست به سرپرستی زنان مجرد است که زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

بالاترین میزان فقر (۴۶ درصد) مربوط به خانواده‌های سیاه‌پوست با فرزندان است که به سرپرستی زنان مجرد سیاه‌پوست اداره می‌شود. این امر قابل توجه است؛ زیرا بیش از نیمی از (۵۵ درصد) کل خانواده‌های سیاه‌پوست که دارای فرزند هستند توسط زنان مجرد اداره می‌شوند (<https://blackdemographics.com>).

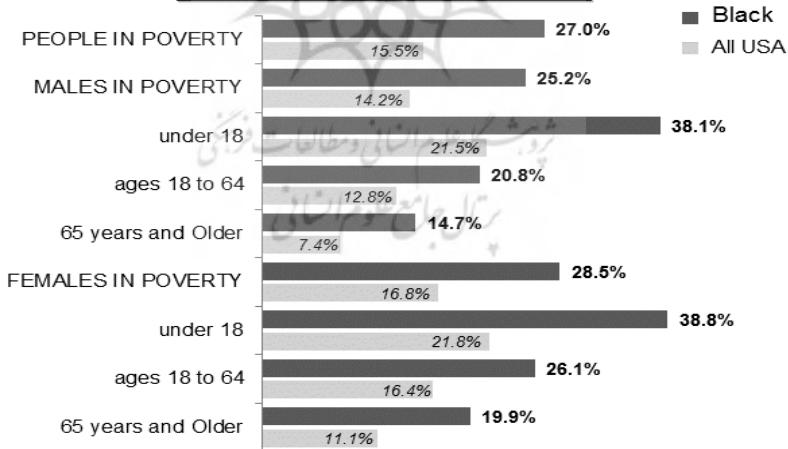
جدول ۱: میزان فقر سیاه‌پوستان امریکا

Black Poverty Rates

By Family Type compared to all USA



Individuals compared to all USA



Source: U.S. Census Bureau, 2014 American Community Survey 1-Year Estimates

BlackDemographics.com

بونیا سیلوا نیز معتقد است: در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی، سفیدپوستان از سیاه‌پوستان به طور نگران‌کننده‌ای کاملاً از هم جدا هستند (بونیا - سیلوا، ۲۰۱۴، ص ۲۵). رئیس سابق پلیس آتلانتا از افزایش بی‌رویه زندانی شدن

سیاه‌پوستان در امریکا شکوه می‌کند و بیان می‌دارد: «اگر به اندازه‌ای که سیاه‌پوستان زندانی می‌شوند، سفیدپوستان زندانی می‌شدند باز هم احساساتمان جریحه‌دار نمی‌شد؟» (هوراس، ۲۰۱۸، ص ۷۹)

۵. بروز نشانه‌های انحطاط غرب و نقش‌آفرینی رهبر معظم انقلاب

هر جامعه‌ای که رنگ و بوی تبعیض و بی‌عدالتی به خود گرفت، خواه ناخواه به انحطاط کشیده خواهد شد و این انحطاط از درون، «ضعف قدرت نرم داخلی» نامیده می‌شود. جامعه‌ای که نتواند یا نخواهد نخبگان و مردم خود را راضی و قانع سازد، عاقبتی جز افول و نابودی نخواهد داشت. ملتی که سال‌ها آماج سیاست‌های غلط و تبعیض‌آمیز دولتی قرار گرفته باشند و با وجود ذی‌حق بودنشان، نتوانند به حق خود دست یابند، به ناچار دست به نوعی قیام علیه این سیاست‌ها خواهند زد.

مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان فرمودند:

بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» امریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. «قدرت نرم» چیست؟ «قدرت نرم» این است که یک دولتی بتواند خواسته خود و نظر خود و عقیده خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند به نظر خود. این قدرت در امریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است، در زمینه‌های مختلف. حالا زمان دولت اوباما هم همین جور بود، اما زمان این آقا که دیگر به طور واضح با او مخالفت می‌شود. در غالب زمینه‌هایی که او تصمیم می‌گیرد، در دنیا با او مخالفت می‌شود. نه فقط مخالفت مردمی - که اگر قرار باشد رأی‌گیری کنند و از مردم هر کشوری سؤال کنند، نظرات منفی خواهند داد - حتی دولت‌ها هم که رودرپایستی دارند با امریکا، با او مخالفت می‌کنند؛ چین مخالفت می‌کند، اروپا مخالفت می‌کند، روسیه مخالفت می‌کند، هند مخالفت می‌کند، افریقا مخالفت می‌کند، امریکای لاتین مخالفت می‌کند. قدرت نرم امریکا رو به افول است، رو به سقوط است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۸/۱۲).

البته نقش حکیمانه رهبر معظم انقلاب در مدیریت جوانان آن مرز و بوم در جهت حقیقت‌طلبی و احقاق حق از ظالم را نباید نادیده گرفت. ایشان در نامه‌ای تاریخی و حساس خطاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی فرمودند:

تاریخ اروپا و امریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره استعمار سرافکنده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیرمسیحیان خجل است. محققین و مورخین شما از خونریزی‌هایی که به نام «مذهب» بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم «ملیت» و «قومیت» در جنگ‌های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنده‌گی می‌کنند. این به‌خودی‌خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگ کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود بپرسید: چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چندده‌ساله و گاهی چندصدساله

بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد، نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟ (نامه خطاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی، ۱/۱۲/۱۳۹۳).

ایشان در این نامه، جوانان را به اسلام و تعالیم قرآن دعوت می‌کند: آیا اعتراض در برخورد تبعیض‌آمیز با مردمان کشوری، «کرنش در برابر ظلم و دفاع از مظلوم» نامیده نمی‌شود؟ آیا دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم از اصول اولیه اسلام و آرمان مسلمانان به شمار نمی‌رود؟ به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از عوامل اتفاق افتاده در سال‌های اخیر موجب شده است که وجدان مردم و به‌ویژه جوانان غرب بیدار شود. اگر کسی بر سبیل فطرت قدم بردارد و طالب حقیقت باشد، قطعاً به ظلم خاتمه خواهد داد. اگرچه به نظر می‌رسد نقش خون شهیدانمان، به‌ویژه سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی در ایجاد این حرکت عمومی علیه ظلم و در نتیجه افول قدرت نرم تمدن غرب و امریکا، کلیدی و اساسی است.

امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند:

هیچ حادثه‌ای در جهان امروز در هر نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد، بدون تأثیر در نقاط دیگر نیست. لکن میزان اثرپذیری مردم در نقاط دیگر بستگی به آگاهی و انتخاب خود آنان دارد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۴۳۴).

این تحلیل را به خوبی می‌توان از حضور شعارنوشته (پلاکارد)ها و اعلان‌های سرداران مقاومت (شهیدان سلیمانی و ابومهدی المهندس) در دستان جوانان سیاه‌پوست و سفیدپوست امریکا و دیگر کشورهای غربی به دست آورد. در این رابطه، مقام معظم رهبری فرمودند:

ملت‌ها هر جایی که جمهوری اسلامی را می‌شناسند، به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند، طرفدار جمهوری اسلامی‌اند، شعارهای جمهوری اسلامی برای آنها دلنشین است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۷/۲۳).

از این‌روست که اعتراضات مردمی در امریکا که سابقه‌ای طولانی هم دارد و ناتوانی پاسخ‌گویی از طرف دولت امریکا نشان‌دهنده افول و انحطاط تمدن غرب و امریکاست.

اما در نقطه مقابل، به نظر می‌رسد با توجه به الهام معترضان از آرمان‌های اسلامی و انقلابی ایران و سابقه مثبت و نتیجه‌بخش ایران در مقابله با جنگ‌افروزی‌های امریکا (در ایران و منطقه) شاهد صدور آرمان‌های انقلاب به خارج از مرزهای اسلامی هستیم که این مهم نشان‌دهنده قدرت برتر نرم جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با استکبار است.

پس مسئله اعتراض مردم سیاه‌پوست و جنبش عمومی علیه سیاست‌های استکباری و تبعیض‌گرایانه را - که دیگر از حد یک اتفاق ساده و جزئی عبور کرده - و ده‌ها مسئله دیگر که طی این سال‌های مبارزه با جمهوری

اسلامی ایران از سوی امریکا اتفاق افتاده است، می‌توان از دو حیث بررسی کرد: یکی جنبه افول قدرت نرم امریکا و دیگری برتری و پیروزی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با قدرت‌های استکباری دنیا. جمهوری اسلامی به خود می‌بالد که در چهل سالگی‌اش، شاهد تحقق یافتن آرمان‌های امام راحل در صدور انقلاب به کشورهای غربی است؛ زیرا ایشان فرمودند:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است، و تا بانگ «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» بر تمام جهان طنین نیفتند، مبارزه هست، و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۴۸).

۶. بررسی مؤلفه «قدرت نرم» در فرایند افول تمدن غرب

یکی از مؤلفه‌های قدرت در هر حکومت و تمدن، «قدرت نرم» است. با شکست دشمن در عرصه قدرت سخت، دشمنی‌های امریکا در عرصه بین‌الملل سمت و سوی «نرم» به خود گرفت. در «قدرت نرم بین‌المللی» نیز شکوه و هیمنه امریکا در برخورد با مسئله افغانستان، غزه، لیبی، عراق و جمهوری اسلامی ایران شکست خورده تلقی می‌شود، اگرچه در ظاهر به آن توجهی نمی‌کنند؛ اما در باطن، فضاحتی اتفاق افتاده که در تاریخ سابقه نداشته است.

حال سؤال اینجاست که آیا تمدن غرب و به‌ویژه امریکا در عرصه «قدرت نرم داخلی» هم دوران افول و سقوط خود را مشاهده خواهد کرد؟! آیا به این مرحله نزدیک شده است؟! برای پاسخ به این سؤال، باید مطالبی بیان گردد:

رهبر معظم انقلاب در مراسم رحلت امام خمینی علیه السلام فرمودند:

امروز غرب با سیلی صورت خودش را سرخ نگه داشته است. آنها مشکلات مالی، مشکلات پولی، مشکلات اقتصادی، مشکلات اجتماعی دارند و در مواجهه با مردم خودشان درمانده‌اند. چندین حکومت طرفدار امریکا در اروپا ساقط شدند. مردم اگر میدان پیدا کنند، هرگونه نشانه استکبار امریکایی را که در اروپا مشهود است، با حضور خودشان، با قدرت خودشان خواهند زدود. امروز وضعشان این است، خود امریکا هم بدتر از همه. ملت‌ها از امریکا متنفرند. امریکا دچار بحران است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

اگرچه به جرئت می‌توان نخستین حرکت مردمی علیه سیاست‌های ناعادلانه و ظالمانه امریکا را «جنبش تسخیر وال استریت» نامگذاری کرد؛ اما این اعتراضات محدود به همین نمونه نبوده و در زمان‌های گوناگون، آفت سیاست‌های ظالمانه امریکا گریبان دولتشان را گرفته است. اما با مرگ مردی سیاه‌پوست به نام جورج فلویید توسط پلیس امریکا، موجی از اعتراضات علیه سیاست نژادپرستانه و ناعادلانه حکومت امریکا علیه مردمانشان در امریکا شکل گرفته که مدتی است به بحران اصلی امریکا - در کنار بحران مهار

کرونا - تبدیل شده است. البته این اعتراضات محدود به امریکا نبوده، بلکه در بسیاری از کشورها، نظیر آلمان، برزیل، فرانسه، هلند و ایرلند هم شاهد شعله‌ور شدن خشم مردم در اعتراض به سیاست‌های تبعیض نژادی دولت امریکا هستیم.

۷. واکاوی مفهوم «قدرت نرم»

«قدرت» توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران در جهت رسیدن به منافع و خواسته‌هاست (نای، ۲۰۰۴، ص ۲۸). در یک بیان، قدرت را به «قدرت سخت» و «قدرت نرم» تقسیم می‌کنند. «قدرت نرم» صرفاً به معنای نفوذ و اثرگذاری نیست؛ زیرا این نفوذ در قدرت سخت هم متصور است. از این‌رو یکی دیگر از معیارهای قدرت نرم، متقاعدسازی و داشتن منطق مطابق با آرمان‌هاست (همان، ص ۳۵ و ۳۶). اگرچه جنگ نرم عموماً علیه گروه‌ها و دولت‌های متخاصم صورت می‌گیرد و از آن به «قدرت نرم بین‌المللی» تعبیر می‌شود، اما یک جنبه مخفی و حساس دیگری هم دارد که از آن به «قدرت نرم داخلی» تعبیر می‌گردد.

به عبارت دیگر، هر کشوری که از منطق و بنیان و تمدنی برخوردار است، سعی در تأثیرگذاری و همراه کردن کشورها و دیگر مردمان با خواسته‌ها و آرمان‌های خود دارد. این همان جنبه بین‌المللی قدرت نرم تلقی می‌شود که طبیعتاً در این جنبه، اطاعت و همراهی افراد مرز و بوم کشور دارای قدرت، نادیده یا به عبارت دیگر، پیش‌فرض گرفته می‌شود. اما در فرض قدرت نرم داخلی، حکومت‌ها نگاهی هم به تربیت و اقتاع‌سازی نخبگان درون کشور خود دارند و اگر این پشتوانه را در خدمت قدرت نرم بین‌المللی قرار بدهند، مسیر تحقق تمدن و مجذوب کردن دیگر حکومت‌ها به آرمان‌های خودشان را سریع‌تر خواهند پیمود.

مقام معظم رهبری اهمیت قدرت نرم در مقابله جهانی را متذکر شد و فرمودند:

در مقابله جهانی، حرف اول را قدرت نرم‌افزاری می‌زند. «قدرت نرم‌افزاری» یعنی منطق، یعنی استدلال، یعنی حرف نو؛ حرف نویی که تعیین‌کننده زندگی باشد؛ سخن نو به میان آوردن. اینها حرف نو ندارند، منطق ندارند. در قدرت نرم‌افزاری، امریکا به شدت ضعیف است؛ حرفش زورگویی است، منطقش ضعیف است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۷/۱۲).

وقتی یک رژیم، یک نظامی از لحاظ گفت‌وگو، از لحاظ منطق، در چشم مردم خودش ساقط بشود، دیگر امیدی به بقای این رژیم نیست (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

در طول تاریخ، کمتر پیش آمده است که حکومتی از قدرت نرم داخلی برخوردار نبوده و توانسته باشد در عرصه بین‌الملل، دست برتر را داشته باشد. البته شاید برخی به صورت زودگذر به نتایجی در این خصوص دست یافته باشند، اما قطعاً در بلندمدت، آفت ضعف در قدرت نرم داخلی گریبان آنها را هم گرفته و در نتیجه، محکوم به شکست شده‌اند.

ارزیابی تعامل حکومت‌ها با «قدرت نرم» را باید در ایدئولوژی و جهان‌بینی آن حکومت‌ها بررسی کرد. به همین سبب است که رهبر معظم انقلاب توجه به تفاوت قدرت نرم اسلامی با قدرت نرم غربی را خواستار شده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰/۲/۱۰).

اساساً قدرت نرم در تمدن غرب، مبتنی بر تمایلات و خواسته‌های فردی، مادی و به تعبیری حیوانی است؛ اما در جبهه اسلام، قدرت نرم در جهت تقویت معنویت و تعالی انسان‌ها به جایگاه ویژه مقدر از جانب الله - تبارک و تعالی - است. سعادت‌ی که غرب برای انسان در نظر گرفته است، در شهوات و خوش‌گذرانی‌های زودگذر و کسب مال و مادیات خلاصه می‌شود؛ اما مکتب اسلام با تمسک به انبیای الهی و معصومان علیهم‌السلام، تمام تلاش خود را در جهت کمالات انسانی و معنویت به کار بسته است. از این‌رو تفاوت‌های مزبور را می‌توان در آرمان، ارزش، سیاست، ابزار و شیوه‌های تمسک به مؤلفه‌های قدرت در این دو تمدن مشاهده کرد.

یکی از حوزه‌های به‌کارگیری قدرت نرم در تمدن غرب، اعمال سیاست‌ها، القای ارزش‌ها و فرهنگ اجتماعی در ارتباط با مردمان کشور خود و سایر حکومت‌هاست که متناسب با خوی استکباری خود، درصدد تحمیل و همراه‌سازی و به عبارت دیگر جنگ با دیگر کشورها برآمده است. مشخصاً رابطه ستیز آمریکا با جمهوری اسلامی ایران - از بدو تولدش - موید این نوع برتری‌طلبی غرب و آمریکا بوده است.

نتیجه‌گیری

روح اسلام با تبعیض نژادی مبتنی بر رنگ، پوست و زبان مخالف است. یکی از کشورهایی که مصداق بارزی از حاکمیت مبتنی بر تبعیض نژادی است، دولت آمریکا و به طور کلی، تمدن غرب است. با توجه به اطلاعات، آمار و مستندات موجود در این نوشتار، شاهد نوعی برخوردهای تبعیض‌گرایانه دولت آمریکا با مردمان سیاه‌پوست آمریکایی - آفریقایی خود هستیم. زیبایی‌های حقوق بشری غرب صرفاً در اسناد و لابه‌لای کتاب‌های آنها به نمایش گذارده شده است و کمتر اثری از آن هیاهوی حقوق بشری در عمل مشاهده می‌شود.

یکی از مؤلفه‌های افول تمدنی در عرصه قدرت نرم، تبعیض در نژاد، رنگ و اصل و نسب است. ناتوانی دولت آمریکا در اقناع مردمان سیاه‌پوست خود و برقراری عدالت اجتماعی و رضایت سیاه‌پوستان کشور خود، موید افول قدرت نرم آمریکاست. شاهد این ادعا نیز همین اتفاقات سال‌های اخیر و وضعیت آشفته ایالت متحده آمریکاست که به زودی، شاهد تحولات گسترده‌تری در نظام حاکمیتی آن خواهند بود؛ تغییراتی مشابه شوروی (سابق). البته مقصود ما از «افول»، نابودی و حذف شدن از صفحه گیتی نیست، بلکه مقصود کاهش نفوذ و اثرگذاری این دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی است که در قالب تجزیه ایالت‌ها رخ خواهد داد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ترجمه حسین انصاریان، قم، دارالعرفان.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.

بیانات رهبر معظم انقلاب، در: Khamenei.ir

حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دارالفکر.

سازمان ملل متحد، ۱۹۶۵م، *کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی*، مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

کراچکی، محمدبن علی، ۱۳۹۴ق، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، چ دوم، تهران، مرتضوی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸م، *اعلامیه جهانی حقوق بشر*.

معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

وبگاه ان. پی. آر. لا جانسون؛ www.npr.com

هلالی، سلیم‌بن قیس، ۱۴۰۵ق، *کتاب سلیم‌بن قیس هلالی*، قم، الهادی.

Bonilla-Silva, Eduardo, 2014, "Racism without Racists: Color-Blind Racism and the Persistence of Racial Inequality", in *America*, **ROWMAN & LITTLEFIELD PUBLISHERS, INC**, Fourth Edition.

Horace, Matthew and Harris Ron, 2018, *The Black and The Blue*, Hachette Book Group, New York.

Nye, Jr, Joseph s, 2004, *Soft Power*, The means to Success in world politics, Public Affairs, United States.